



بررسی تطبیقی آراء تربیتی ابن سینا و کانت در خصوص اهداف تعلیم و تربیت^۱

اسلام غفاری^۲

islamgaffari1927@gmail.com

چکیده

در این تحقیق محقق قصد داشته تا آراء ابن سینا و کانت را در خصوص اهداف تعلیم و تربیت با روش تحلیلی - اسنادی مورد مطالعه و بررسی دقیق قرار دهد تا یافته ها و نتایج مطلوبی را از این آراء بدست بیاورد و به نظام مقدس تربیتی جمهوری اسلامی ارائه نماید.

ابن سینا (۳۷۰-۴۲۸ ق سده دهم و یازدهم میلادی) هدف تعلیم و تربیت از نظر ابن سینا عبارتند از: ایمان، اخلاق نیکو، عبادات پسندیده، تندرستی، سواد، پیشه و هنر. هدف او تشکیل شخصیت کامل از حیث جسمی، عقلی و منش (اخلاق) و به دنبال آن آمادگی فرد برای زندگی در اجتماع از طریق شغلی که براساس استعدادهایش انتخاب می نماید. می باشد.

کانت (۱۷۲۴- ۱۸۰۴) در نظر کانت تعلیم و تربیت مبتنی بر ایمان است و ایمان بسی ریشه دارتر و عمیق تر از علم است. هدف تربیت از نظر کانت عبارتند از تربیت جسمانی، پرورش ذهنی، آموزش فرهنگ، تربیت اخلاقی و تربیت عملی.

یافته ها و نتایج بررسی نشان دادند که افکار این دو فیلسوف اگر چه در برخی اصول نزدیک به هم است (هدف تربیت شامل رشد و به کمال رساندن همه قوا و ابعاد وجودی انسان یعنی تشکیل شخصیت کامل که از بدو تولد آدمی تا مرگ او ادامه دارد تا به سعادت واقعی و حقیقی برسد وسایر اشخاص را به سعادت برساند) اما در مواردی با هم فرق هایی نیز دارند که بایستی در نظام تربیتی مورد توجه قرار گیرند تا نسل جدید بطور سالم (جسمی و روحی) پرورش یابند واز افراط و تفریط دورشده و به عدالت ناب حرکت نمایند و خانواده ها ، مدارس و دانشگاهها و ... بتوانند با اصول و روش های صحیح و جامع تربیتی و با طرح و نقشه ای شرع ،عقل و علم پسند به سوی اهداف عالی تربیتی (علم نافع،ایمان خالص،اخلاق نیکو وکامل وعمل صالح)حرکت نمایند.

کلمات کلیدی: بررسی تطبیقی / آراء تربیتی / ابن سینا / کانت / اهداف تعلیم و تربیت.

^۱- مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد ، استاد راهنمای پایان نامه:جناب آقای دکتر محمد منافزاده و استاد مشاور : جناب آقای دکتر مجید واحدی

^۲- دانش آموخته کارشناسی ارشد تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش(تعلیم و تربیت اسلامی) از دانشگاه پیام نور مرکز خوی



در واقع، تمام کسانی که به نحوی در تعیین مکاتب و اهداف تربیتی سهمیم بوده اند، یا خود فیلسوف بوده اند و یا از فلسفه حاکم بر فرهنگ زمان خود پیروی می کرده اند و به نحوی، در آرا و اهداف تربیتی، تحت تاثیر نوع نگرش فلسفی خود یا دیگران بوده اند. نقش فلاسفه در تدوین اهداف و ارائه آرای تربیتی، بر روند تربیت اثر گذاشته است؛ به گونه ای که امروزه نیز برای انتخاب و گزینش اهداف تربیتی ناچار به پذیرش برخی از بنیانهای فلسفی هستیم. (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۶)

کانت و ابن سینا دو اندیشمند بزرگ جهان هستند که در راستای نظریات فلسفی و علمی نظریات ارزشمندی نیز در باب تعلیم و تربیت ارائه داده اند و پی بردن به نظرات و آراء تربیتی آنها می تواند راهکارهای علمی و جدید بسیاری را در اختیار ما قرار دهد در این تحقیق سعی بر آن است که اندیشه های تربیتی این دو اندیشمند در خصوص اهداف تعلیم و تربیت مقایسه گردد.

آرای ابن سینا در باب تعلیم و تربیت در میان صاحب نظران تعلیم و تربیت در حوزه اندیشه اسلامی جایگاهی بس والا دارد تا جایی که برخی ادعا کردند که وی اولین کسی است که در میان دانشمندان مسلمان درباره تعلیم و تربیت اظهار نظر کرده است ابن سینا تعلیم و تربیت را بصورت جامع نگریسته و درمسائل خاص آن چون تربیت کودک و اصول تعلیم و تربیت به تفصیل اظهار نظر کرده است. (دفتر همکاری حوزه ودانشگاه، ۱۳۷۷)

هدف تعلیم و تربیت از نظر ابن سینا عبارتند از: ایمان، اخلاق نیکو، عبادات پسندیده، تندرستی، سواد، پیشه و هنر هدف او تشکیل شخصیت کامل از حیث جسمی، عقلی و منش (اخلاق) و به دنبال آن آمادگی فرد برای زندگی در اجتماع از طریق شغلی که براساس استعدادهایش انتخاب می نماید. می باشد. (صدیق، ۱۳۴۴)

کانت یکی از بزرگترین فلاسفه آلمانی در عصر روشنگری بوده است. او باید مطمئناً جزو مشهور ترین طرفداران فلسفه اروپایی از زمان قرن هجدهم بوده باشد. متخصصین در تاریخ تعلیم و تربیت آلمان قرن هجدهم را به عنوان « عصر تربیت» توصیف می کنند. کانت همانند بسیاری از دیگر مردمان، توجه خود را به سوی تعلیم و تربیت گردانید. بنابراین جایگاه واقعی او در تاریخ «فلسفه آموزشی و تربیتی» یا فلسفه تعلیم و تربیت در همه جوانب آن قرار دارد.

(Riaze,1384)

هدف تربیت از نظر کانت عبارتند از تربیت جسمانی، پرورش ذهنی، آموزش فرهنگ، تربیت اخلاقی و تربیت عملی (فروغی، ۱۳۳۴). در نظر کانت تعلیم و تربیت مبتنی بر ایمان است و ایمان بسی ریشه دارتر و عمیق تر از علم است.

موضوع انتخابی این تحقیق مقایسه آرای تربیتی ابن سینا و کانت در خصوص اهداف تعلیم و تربیت است که با هدف تبیین آرای تعلیم و تربیت مطلوب از نظر این دو دانشمند و با روش تحلیلی- اسنادی صورت می گیرد و نظرات تربیتی و فلسفی آنان با توجه به شرایط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی متاثر از دورانی که این دو دانشمند می زیسته اند و با توجه به سوالات تحقیق در مورد اهداف تعلیم و تربیت، و وجوه اشتراک و افتراق نظرات تربیتی مورد بحث و بررسی قرار می گیرد.

در فلسفه اسلام هدف اصلی از تکوین، معرفت خدا از راه معرفت نفس است، هرکس ابتدا باید خود را بشناسد تا بتواند حقایق دیگری پی برد. حقیقت عبارت است از احساس واقعیت خارجی که خود موجودیت خارجی داشته باشد. انسان عالم صغیر

است و نمونه ای است از عالم کبیر، کلیه موجودات که در عالم کبیر محقق اند در عالم صغیر که انسان باشد منطوقی هستند.

«أَتَرَعَمُ أَنْكَ جِرْمٌ صَغِيرٌ وَفِيكَ أَنْطَوَى الْعَالَمِ الْأَكْبَرِ ۱

(ای انسان) آیا خیال می کنی که موجود کوچکی هستی؟! در حالیکه در وجود تو عالم بزرگی پیچیده است. «

هدف از خلقت درک حقیقت است و درک حقیقت بدون درک نفس امکان ندارد.



هدف از آموزش و پرورش اتصال نفس است به عقل فعال، کمال نفس شخص است که موجب کمال واقعی است.^۲ هر گاه انسان در مرتبت علم و عمل به کمال ممکن خود برسد و از راه علم نفس بمرتبتی نایل شود که عقل مستفاد شود و به عقل فعال متصل گردد^۳، خلیفه الله فی الارض می شود. این وظیفه آموزش و پرورش است که انسان را از مرحله حیوانی به مرحله انسان کامل برساند. انسان ترکیبی است از جسم و جان و عقل و هدف از آموزش و پرورش تربیت جسم است برای تقویت جان و عقل. در قرآن نیز علت ارسال رسل و انزال کتب (آموزش) تزکیه و تعلیم انسان بیان شده است: یُزَكِّیهِمْ وَ یُعَلِّمُهُمُ^۴: آنان را پاک می گرداند و تعلیم مینماید» و هدف ارتقاء انسان است از مرتبت ادنی به مرتبت اعلای انسانیت. ارسطو معتقد بود که انسان در بادی امر مخلوق از عناصر و ارکانی است که انسان طبیعی است. پس از این مرحله انسان نفسی است که واسطه است میان انسان طبیعی و انسان عقلی (عالیترین انسان). انسان عقلی بالاترین نوع انسان است و هدف اصلی از آموزش آنست که انسان از مرحله ادنای انسانیت به مرتبت عالی انسانیت برسد. این نظریه مورد توجه اکثر فلاسفه اسلام قرار گرفت. ابن سینا و غرالی از متقدمین و میرداماد و ملاصدرا از متأخرین فلاسفه اسلام نیز آنرا پذیرفته اند.

پس از رشد و پرورش عقل هدف آموزش اسلامی عبارتست از ایجاد حس مسئولیت فردی، انسانی و اجتماعی. (عزتی، ۱۳۶۶) ابن سینا همچون فیلسوفان مسلمان، مباحث تربیتی را در بخش حکمت عملی جای می دهد و حکمت عملی را به سه نوع تقسیم می نماید:

۱- علم اخلاق که تنظیم روابط شخصی فرد را بر عهده دارد.

۲- تدبیر منزل که تنظیم روابط فرد در محیط خانواده است.

۳- علم سیاست که تنظیم روابط اجتماعی و سیاسی در جامعه را در بر می گیرد. (اقبال، ۱۳۳۴)

همچنین به نظر ابن سینا خانواده از آغاز تا انجام باید به گونه ای باشد که بتواند فرزندان شایسته و مفید را به جامعه ارائه دهد و ابن سینا در بیان اهداف ازدواج، اوصاف زن شایسته و تدبیر خانواده، همه جا به محصول این ازدواج توجه دارد و تربیت فرزندان را مدنظر قرار می دهد. وی به نقش و رسالت مدبران امور مدینه و اهمیت سنن اجتماعی در تحقق این اهداف آگاه است و می گوید:

« باید درباره فرزند سنت شود که پدر و مادر تربیت او را به عهده گیرند؛ مادر در امور خاص و پدر در مخارج » (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۷)

در اینجا بهتر است نظر ابن سینا در مورد کودک روشن شود و بعد هدف را مشخص کرده و برای آن برنامه ریزی نماییم. از نظر ابن سینا کودک را باید از دوران جنینی پرورش داد و در این مورد می گوید زنان باردار باید از تنشهای عصبی و جسمی به شدت بپرهیزند زیرا اثر نامطلوب بر جنین دارد همچنین در بخش تربیت کودک چهار فصل می گشاید که به ترتیب از



نگهداری نوزاد هنگام تولد، آداب شیر دادن و تغذیه نوزاد و انتخاب دایه، بیماریهای کودکان و بالاخره از پرورش و تربیت خردسال صحبت می کند و آنگاه درباره تربیت جسمانی کودکان که به سن بلوغ می رسند. به تفصیل سخن می گوید. (ابن سینا، ۱۳۶۰).

ابن سینا کودک را موجودی آزاد و فعال می داند که باید در تربیت او دقت کافی انجام گیرد و باید استعدادها و تواناییهای او را شناخت و این امر از وظایف مربی کودک می داند (ابن سینا، ۱۴۰۴).

ابن سینا برای تربیت کودک مراحل را همگام با مراحل رشد عنوان کرده و هر مرحله را از زیربنای مرحله بعدی می داند و به نقش مهم مدرسه در فرایند اجتماعی شدن به علت ارتباط کودک با همسالان خود و رفاقت آنها با هم تأکید می کند و این امر را اجتماعی شدن کودک می نامد. ابن سینا از آموزش موسیقی و ورزش کودکان و نوجوانان سخن گفته است و بر ورزش تأکید بسیار دارد و آن را موجب سلامت بدن و بی نیازی از استعمال دارو دانسته اند.^۵ (ابن سینا، ۱۳۶۰)

چهار توصیه ابن سینا در مورد پرورش صحیح خردسالان عبارتند از: ۱- اعتدال در رفتار و اخلاق ۲- برنامه صحیح غذایی و خواب و استحمام معتدل ۳- در سن ۶ سالگی به مدرسه برود و در تعلیم اجبار نباشد ۴- نوشیدنی های سالم بنوشد (همان منبع)

اهداف آموزش و پرورش از نظر ابن سینا شامل رشد کلی فرد از قبیل رشد جسمی و عقلی، اخلاقی و به دنبال آن آمادگی فرد برای زندگی در اجتماع از طریق شغلی که بر اساس استعدادهايش انتخاب می نماید می باشد.

بنابراین تعلیم و تربیت ابن سینایی در کنار رشد عقلی، اجتماعی و اخلاقی به تکامل فیزیکی و هرچیزی که موجب آن می شود مثل ورزش، خوردنی ها، آشامیدنی ها، خواب و نظافت نیز توجه دارد.^۶ بنابراین هدف تعلیم و تربیت از نظر او عبارتست از: ایمان، اخلاق نیکو، عبادات پسندیده، تندرستی، سواد، پیشه و هنر. (صدیق، ۱۳۳۴)

ابن سینا برای نیل به اهداف آموزش و پرورش (۱- ایمان، ۲- اخلاق نیکو^۷، ۳- تندرستی، ۴- سواد، و ۵- پیشه و هنر) توصیه های زیر را ارائه کرده است:

۱- نهادن نام نیکو بر فرزند

۲- انتخاب دایه ای که از لحاظ جسمی و روحی متعادل و سالم باشد

۳- آغاز تربیت اخلاقی بلافاصله پس از شیر گرفتن

۴- دور نگهداشتن فرزند از دوستان ناباب، عادات نکوهیده و کارهای زشت

۵- محروم نکردن دائمی کودک از آنچه که مورد تمایل اوست

۶- تحمیل نکردن چیزهایی که کودک از آن تنفر دارد



Athens

۷- فرستادن کودک به مکتب در سن شش سالگی

۸- محسور کردن کودک با اطفال خانواده های نجیب

۹- ایجاد رقابت سالم بین فرزند و فرزندان دیگر

۱۰- تشویق فرزند به ادامه تحصیل تا سن ۱۴ سالگی ، البته تا این سن نباید تمام وقت او صرف تحصیل شود بلکه قسمتی از

آن بایستی نیز به ورزش و بازی اختصاص داده شود

۱۱- همینکه هنری آموخت و توانست از آن طریق امرار معاش کند بر پدر لازم است او را متاهل ساخته و محل زندگیش را

جدا سازد.(وکیلیان، ۱۳۸۱)

هدف ابن سینا منحصراً رشد عقلانی و اندوختن دانش نیست ، همچنین توجه خود را تنها وقف

جنبه های اخلاقی نمی کند بلکه هدف او تشکیل شخصیت^۸ کامل از حیث جسمی، عقلی و منش

است او کار تعلیم و تربیت را محدود به ساختن یک شهروند کامل نمی کند بلکه بیشتر عقیده دارد

که تعلیم و تربیت باید شهروند را برای شغلی که از طریق آن بتواند در ساختار اجتماعی شرکت کند آماده نماید . چون

اجتماع به عقیده ابن سینا کاملاً براساس همکاری و « تعاون» و براساس

تخصص هر شخص در یک شغل یا حرفه و براساس مبادله دو جانبه خدمت افراد جامعه ساخته می شود . (برکشلی، ۱۳۳۴)

باوجود این که ابن سینا یک فیلسوف و در نتیجه متعلق به گروهی از مردمی بود که عقیده داشتند تفکر یونانی تفکر یک

شخصیت نخبه است و فیلسوفان تفوق غیر قابل بحثی بر بقیه مردم دارند با این حال به نظر او هدف تعلیم و تربیت محدود به

فیلسوفان نبود. بنابراین ، ابن سینا هدف تعلیم و تربیت فیلسوف را به عنوان یکی از اهداف آموزشی مرحله تخصصی در میان

اهداف دیگر قرار داد تا هرکس که بخواهد بتواند بر طبق استعداد و تمایلاتش به مطالعه آن بپردازد. (riazi,1384).

پس می توانیم بگوییم که آموزش و پرورش به عقیده ابن سینا پرورش یک تبعه درستکار و از لحاظ جسمی و عقلی سالم و

آماده برای یک کار فکری یا عملی است . کار فکری می تواند با علوم قدیمه یا علوم نظری که ابن سینا برای آنها اعتبار زیادی

قائل است ارتباط داده شود . او صنایع و حرف را به عنوان نوعی آموزش که برای آمادگی حرفه ای و تخصصی ضروری است به

حساب می آورد و می گوید آموزش و یادگیری نوع عملی آن مثل یادگیری نجاری و رنگرزی را هم شامل می شود زیرا این

نوع یادگیری فقط به وسیله تمرین و کار زیاد امکان پذیر است . (ابن سینا، ۱۳۴۷)

تعریف تربیت از نظر کانت:

تعلیم و تربیت فرآیندی است که از بدو تولد آدمی تا مرگ او ادامه دارد و شامل همه ابعاد وجودی انسان مانند بعد عقلانی ،

جسمانی ، اجتماعی ، عاطفی می گردد. (ماهرزاده ، ۱۳۷۹)



کانت برای تربیت تعریف خاصی ندارد بلکه از نظر او تربیت تمایز دهنده انسان از سایر حیوانات است او در این مورد می گوید:
« بشر تنها با تعلیم و تربیت انسان تواند شد آدمی جز آنچه تربیت از او می سازد نیست. » (کانت، ۱۳۷۲).
مایر معتقد است که ، زمینه ذهنی کانت حاکی از یک تربیت زاهدمنشأنه است . وی آرمانهای تربیتی را مبنی بر ایمان ترویج
می کرد .

کانت نیت نیک را در فلسفه و تربیت مورد تأکید قرار می داد. تربیت در نظر کانت مهمترین امر بود و می گفت « ما از راه
تربیت آدم می شویم» وی تمدن را لازمه تربیت می شمارد . تربیت در نظر کانت بهبود مداوم^۱ است و یک هنرعالی است
توفیق در این هدف عالی ، کار افراد کافی نیست بلکه کار جمیع نژاد بشر ، لازم است. (مایر، ۱۳۷۴)

کانت در تعیین اهداف تربیت ، به انسانیت و پیشرفت مداوم آدمی و کمال انسانی نیز می اندیشد و توجه به اهداف گروهی و
اجتماعی کنونی را خطا می داند . چنانکه می نویسد: «نباید انسان را در وضع کنونی او تربیت کرد بلکه باید با توجه به آینده و
برای تحقق یافتن بهترین «نوع» انسان ، افراد را تربیت کرد». (کاردان، ۱۳۹۰)

فرض اصلی تعلیم و تربیت به کمال رساندن همه قوای انسان است و این کار باید در مورد افراد انسانی و در حد کمال پذیری
آنان صورت گیرد و در تربیت نباید خواستههای خانواده که معمولاً می خواهند فرزندانشان خود را برای موفقیت در زندگانی و
سازگاری با جامعه بار آورد در نظر باشد . اهدافی هم که دولتها برای نظام تعلیم و تربیت تعیین می کنند و غالباً برای حفظ
موقعیت و قدرت خویش است نمی تواند درست باشد . خلاصه ، نه خانواده و نه دولت به سرنوشت انسان از این حیث که انسان
است نمی اندیشند و به منافع آنی خود نظر دارند . به نظر کانت غایت تعلیم و تربیت باید هدایت آدمی به سوی آزادی راستین
یعنی رهانیدن او از حالت حیوانیت و بندهایی باشد که آداب و رسوم و جامعه بر او زده است آرمان تربیت از نظر کانت این
است که شخص به موجودی اخلاقی و دارای شخصیت و اراده مبدل شود و تنها از قوانین عقل^۱ پیروی کند و خود قانونگذار
خود باشد . به نظر کانت آدمی باید این سه قاعده را بتواند مبنای رفتار خود قرار دهد: (۱) به تکلیف از این حیث که تکلیف
است عمل کند و به قاعده کلی بی قید و شرط احترام بگذارد؛

(۲) دیگران برای او هدف باشند نه وسیله؛ (۳) طوری رفتار کند که رفتار او بتواند برای دیگران قاعده و قانون باشد . منظور از
آموزش نیز یاد دادن شیوه اندیشیدن است نه خود اندیشه یا اندیشه های دیگران . (همان منبع)

کانت تربیت جسمانی را از آن جهت که برای پرورش روح ضروری است لازم می داند^{۱۱} (ماهروزاده ، ۱۳۷۹) وی در باب
اهمیت تربیت جسمانی می گوید: «هرچند که مراقبت کودکان چندان زود به کسانی که قرار است تربیت خانوادگی شان عهده
دار شوند سپرده نمی شود که اینان بتوانند ماموریتی درباره تربیت بدنی کودک داشته باشند ، با وجود این ، داشتن همه آنچه
برای اعمال این قسمت از تربیت لازم است ، حتی جزئیات آن ، برایشان مفید است . با اینکه معلم سرخانه فقط با کودکان



مسئله ترس و کار دارد، محتمل است که فرزند دیگری در خانواده متولد شود و چنانچه معلم سرخانه علاقه‌مند رفتار کرده و مورد اعتماد والدین واقع شده باشد، بعید نیست در مورد تربیت جسمی فرزندان کوچکتر طرف مشورت قرار بگیرد. بعلاوه، غالب اوقات، معلم سرخانه تنها فرد تربیت شده و مطلع خانه است. لذا باید قبلاً با مسأله تربیت جسمی اطفال آشنا شده باشد. (کانت، ۱۳۷۲)

در مبحث تربیت جسمی، کانت با شرمندگی کردن کودکان مخالف است و می‌گوید: «نیز نباید کودکان را شرمندگی کرد. این غالباً زمانی پیش می‌آید که با آنان درستی کنند و گاه و بیگاه شرمندگی شان

سازند. مخصوصاً فریادهای حاکی از تعجب بسیاری از والدین از این مقوله است: «باید خجالت

بکشی!» وقتی، مثلاً، کودکان انگشت خود را می‌مکنند، معلوم نیست از چه چیزی واقعاً باید شرمندگی باشند.^{۱۳}

آنچه که باید در این موارد به آنان گوشزد شود این است که این کار معمول نیست یا این عملی ناپسند است جز وقتی که کودک دروغ گفته باشد این نشان می‌دهد که کانت برای دروغ اهمیت زیادی قائل است و نقطه آغاز گناه را دروغ معرفی می‌کند و می‌گوید دروغ منشأ هر گناهی است. (همان منبع، ص ۹۸).

وی در تربیت جسمانی مباحثی همچون پیروی از طبیعت، عادت، انضباط و تأدیب، بازی و کار مطرح کرده. کانت با الهام از روسو می‌گوید باید از طبیعت پیروی کنیم^{۱۴} و اجازه دهیم که طبیعت به شیوه خود عمل کند و کاری جز آنکه طبیعت انجام می‌دهد انجام ندهیم. اعتماد و اعتقاد کانت به طبیعت بدان حد است که عمل بر وفق طبیعت را حتی در مورد کودکانی که نقص عضو دارند صائب می‌داند. کودک را باید به حال خود گذاشت تا با استفاده از وسایلی که طبیعت به او ارزانی داشته و با روش خود به یادگیری بپردازد. مثلاً هنگام راه رفتن کودک به او اجازه دهیم تا بطور طبیعی راه رفتن را یاد بگیرد. کانت در مورد عادت و خو کردن معتقد است از آنجا که جوهر وجودی انسان آزادی و اختیار است، هر قدر کودک به عملی خو کند به همان اندازه از آزادی و استقلال او کاسته می‌شود. زیرا اگر کودک به چیزی خو کند تمایل به آن کار در او حفظ شده و این عادت در او به سرعت نیاز در خواهد آمد. مؤدب به اداب بودن و خو کردن به نظم و ترتیب از ارکان دیگر تربیت جسمانی است کانت نه تنها نظم و انضباط را در زندگی روزمره لازم می‌داند، بلکه در زمینه فکر و اندیشه نیز لازم می‌شمارد و می‌گوید: باید کودک را عادت داد تا فکری نظم پذیر داشته باشد از طریق انضباط بعد حیوانی کودک تحت کنترل در می‌آید. انجام تکلیف از دیگر مواردی است که متربی باید در نظر بگیرد. انجام تکلیف احترام به قانون است. قانون هم محترم و مقدس است و چون مقدس است باید از آن تبعیت نمود (فروغی، ۱۳۳۴). کانت در مورد اهمیت تکلیف می‌گوید: «من خواب می‌دیدم و می‌پنداشتم زندگانی تمتع^{۱۵} است. چون برخاستم دیدم تکلیف است.» (فروغی، ۱۳۳۴ و نیز دادبه، ۱۳۸۹)



از دیگر ابعاد تربیت جسمانی بازی و کار است به عبارت دیگر در تربیت جسمانی باید پرورش تن مد نظر قرار گیرد. برای رسیدن بدین مقصود باید با استفاده از حواس کودک مهارتهای بدنی پرش، وزن برداری، پرتاب نیزه، تیراندازی، کشتی، مسابقه و ورزشهای نظیر آنرا تقویت کرد. کودک برای انجام این فعالیتها به قدرت، مهارت، سرعت و اعتماد به نفس نیاز دارد. بهترین بازی آنست که حواس مختلف در آن بکار گرفته شود و منجر به پرورش مهارتی خاص گردد. مثلاً لازمه تمرین پرتاب آنست که فرد نخست فاصله را با نگاه تخمین بزند، سپس هدف را مشخص نماید. ضمن انجام این بازی تمرکز حواس، دقت، سرعت، تخمین فاصله و مهارتهای دیگر فرد پرورش می یابد.

معمولاً بازیهای کودکان جنبه جهانی دارد و در همه جا یکسان است و مهارتی خاص را در فرد پرورش می دهد. مانند بازی گرگم به هوا، چرخاندن فرفره، بازیهای دیگر که گهگاه منجر به اکتشافات بزرگ می شود. کودک از طریق بازی سرگرم می شود و از آفات بیکاری در امان خواهد بود. علاوه بر این از طریق بازی به اشتغال مداوم خو خواهد کرد. روسو می گوید فقط از کودکانی شاداب و شیطان می توان مردانی توانمند ساخت. (Kant, 1991)

کودکان باید طوری تربیت شوند که به کار کردن عادت کنند. زیرا اشتغال به کار به خودی خود یکی از نیازهای آدمی است. انسان تنها حیوانی است که ناگزیر از کار است کودک از طریق کارورزی و اشتغال به کار برای تامین معاش آتی خود آماده خواهد شد. مهمتر از همه اینکه دلپذیرترین استراحت، استراحت بعد از کار است. مدرسه بهترین مکان برای خو کردن به کار است. زیرا که مدرسه محل آموزش اجباری است. در مدرسه کودک یاد می گیرد که بازی را از کار تمیز دهد و زمان بازی و هنگام کار را بشناسد. (ماهورزاده، ۱۳۷۹)

به نظر کانت اساس تعلیم و تربیت دوری گزیدن از سستی و کاهلی و تحمل رنج و سختی است. تمایل به تن پروری بزرگترین آفت تربیت است. بنابراین کودک باید از ابتدا به کار و تلاش خو کند و از راحت طلبی بپرهیزد. باید بدانیم که انرژی کودکان بسیار است و در انجام کارهای سخت زود خسته نمی شوند. لازم است قبل از آنکه کودک به سستی گراید از این خصوصیت سود جسته و او را به کار وادار سازیم. (همان منبع)

بنابراین تربیت جسمی از مقدماتی ترین اهداف تعلیم و تربیت است که باید از همان اوان کودکی در درون خانواده و بعد در مدارس رعایت شود.

از نظر کانت از دیگر اهداف مهم تعلیم و تربیت آموزش فرهنگ می باشد

وی اذعان دارد قسمت مثبت تربیت جسمی فرهنگ نامیده می شود. همین بخش وجه تمایز انسان از حیوان است. این اساساً

مبتنی بر ورزش قوای ذهنی است. لذا، پدر و مادر باید فرصتهای مساعد برای چنین ورزشی را در دسترس قوای ذهنی

کودکان بگذارند. باید مراقب بود تا کودک در جمع نه مزاحم



باشد و نه مصدّع . باید خود را با کسانی که وی را دعوت کنند خودمانی نشان دهد و در عین حال سرنگهدار باشد؛ بی آنکه گستاخی کند صریح باشد . راه هدایتش به سوی هدف این است که در هیچ موردی طبیعتش را تباه نکنیم : نباید مفاهیمی از آداب دانی به وی بدهیم که تنها ترسو و کمرویش می گرداند، بعکس ، وی را به فکر خودنمایی می اندازد. کودک را چیزی خنده دارتر از رفتار پسندیده پیشرس و عجیبی احمقانه نیست . در این مورد اخیر ، باید بگذاریم کودک نقاط ضعف خویش را هرچه بیشتر ببیند؛ ولی در عین حال نباید با دادن احساسی از برتری و قدرت خویش بر او مسلط شویم به طوری که کودک ، هرچند در دنیایی که باید در آن برای وی و نیز برای دیگران مجال کافی فراهم باشد ، در گسترش جنبه های فردی وجود خویش می کوشد، همواره به عنوان عضو جامعه چنین کند. (کانت، ۱۳۷۲)

از اهداف مهمی که کانت آنرا از جمله اهداف تعلیم و تربیت معرفی می کند پرورش ذهن می باشد به نظر کانت قوای دانی به خودی خود ارزش ندارند. مثلاً مردی که از حافظه قوی برخوردار ولی فاقد قوه تمیز باشد، لغتنامه متحرکی که بیش نیست ، کلامی که می گوید: « دانش هرکسی به قدر حافظه اوست .» کاملاً صحیح است ؛ از اینرو، پرورش حافظه بسیار لازم است . چیزها طوری ساخته شده اند که ادراک، نخست نتیجه تاثیرات ذهنی است و حافظه باید این اثرات را حفظ کند. مثلاً در مورد زبانها چنین است . ما زبانها را به یکی از دو روش: یاصوری به خاطر سپردن یا از راه مکالمه ، یاد می گیریم؛ و این روش اخیر بهترین روش یادگیری زبانهای زنده است . از نظر کانت بهترین راه پرورش قوای ذهنی این است که آنچه را که به انجام آن علاقه مندیم شخصاً انجام دهیم؛ مثلاً وقتی قاعده ای دستوری را یاد گرفته ایم آن را عملاً به کار ببریم . وقتی نقشه ای را به بهترین وجه می فهمیم که بتوانیم آن را پیش خود رسم کنیم . عمل کردن بهترین راه فهمیدن است. چیزی را کامل تر یاد گرفته و بهتر به یاد می آوریم که آنرا خود به نحوی آموخته باشیم ؛ و این جز از افراد معدودی که خود آموز نامیده می شوند ساخته نیست. (همان منبع)

. ذهن مهمترین عامل برای کشف حقایق و مسایل زندگی است . کانت پرورش ذهنی را به یک معنا تربیت مادی می داند . باید میان پرورش مادییا طبیعی ذهن و تربیت اخلاقی تفاوت قائل شد . پرورش مادی ذهن مربوط به طبیعت انسان و تربیت اخلاقی منوط به آزادی و اراده اوست به همینجهت ممکن است فرد از نظر ذهن بسیار غنی بوده و پرورش یافته باشد اما متخلق به اخلاق نباشد . کانت تربیت مادی ذهن را به تربیت آزاد و آموزش مدرسه ای تقسیم کرده است. تربیت آزاد نوعی سرگرمی و بازی و گذراندن اوقات فراغت است در حالیکه آموزش مدرسه ای بصورت جدی ارائه شده و باید تحت شرایط خاص انجام شود.

(ماهروزاده، ۱۳۷۹)

تربیت عملی از دیگر اهداف تعلیم و تربیت از نظر کانت می باشد ،



Athens

تربیت عملی شامل مهارت، عقل معاش یا تدبیر و اخلاق است. کانت می گوید: «شخص نباید به دانستن چیزهایی که از او ساخته نیست تظاهر کند. تدبیر یا بصیرت کامل باید در مهارت جایی داشته باشد و کم کم در شیوه تفکر عادت شود. اساس منش آدمی همین است. مهارت برای استعداد ضروری است. براساس تربیت عملی شخصی باید عزمی راسخ بر انجام کاری داشته باشد و اقدامی قاطع در جهت تحقق آن کند (کانت ۱۳۷۲)

بنابراین می توان نتیجه گرفت تربیت جسمانی، پرورش ذهنی، آموزش فرهنگ، تربیت اخلاقی و تربیت عملی از مهمترین اهداف تعلیم و تربیت از نظر کانت می باشد (فروغی، ۱۳۳۴)

نکات مشترک آراء تربیتی ابن سینا و کانت در خصوص اهداف تعلیم و تربیت در جدول زیر ارائه شده است.

کانت	ابن سینا	دانشمند مولفه
اهداف تربیت عبارتند از: تربیت جسمانی، آموزش فرهنگ، تربیت ذهن، تربیت اخلاقی و تربیت عملی ۳ بعلاوه ایمان به خدا ۴ و عادات نیک ۵ نیز در دیدگاه کانت آمده است. (هدف تربیت شامل رشد و به کمال رساندن همه قوا و ابعاد وجودی انسان یعنی تشکیل شخصیت کامل که از بدو تولد آدمی تا مرگ تو ادامه دارد تا به سعادت برسد)	هدف تربیت عبارتست از: ایمان، اخلاق نیکو، عادات پسندیده، تندرستی، سواد، پیشه و هنر ^۱ و؛ پرورش یک تبعه درستکار و از لحاظ جسمی و عقلی سالم و آماده برای یک کار فکری و عملی ^۲ (هدف تربیت شامل رشد و به کمال رساندن همه قوا و ابعاد وجودی انسان یعنی تشکیل شخصیت کامل که از بدو تولد آدمی تا مرگ تو ادامه دارد تا به سعادت برسد)	اهداف تربیت

۱. صدیق، ۱۳۳۴ ۴۱۲ - وکیلان، ۱۳۸۱

۲. ابن سینا، ۱۳۴۷

۳. فروغی، ۱۳۳۴

۴. مایر، ۱۳۷۴

۵. فروغی، ۱۳۳۴



نکات متفاوت آراء تربیتی ابن سینا و کانت در خصوص اهداف تعلیم و تربیت

کانت	ابن سینا	دانشمند مولفه
<p>هدف، رسیدن به وجدان و تربیت و تکمیل آن و از این طریق رسیدن به خدا و به دست آوردن رضایت او^۴ (دین بدون وجدان اخلاقی چیزی جز خرافات نیست)</p> <p>در مورد هدف هنری شعر مورد تاکید، اما موسیقی (لذت بردن حواس مانع فعالیت و توازن قوه خیال و عقل می شود به این ترتیب موضوع هنر تهوع آور و روح، ملول و ناراضی می شود) مورد تاکید نیست^۵</p> <p>در مورد نام نیکوبر فرزند نهادن و سن تحصیلی چیزی را مطرح نکرده است</p> <p>هدف، آموزش دین حضرت عیسی مسیح (ع) - و برای آشنایی کودک با مفاهیم دینی، نخست باید درباره نظم و زیبایی طبیعت، سپس آفرینش جهان سخن گفت. هنگامی که مقدمات کار فراهم شد، آنگاه او را با مفاهیم خداوند آشنا کرد باید هر چه زودتر کودک را با مفاهیم دینی آشنا کرد اما باید مراقب بود که درک از خداوند جنبه تقلیدی صرف نداشته باشد کودکان قادر به درک همه ی مفاهیم دینی نمی باشند اما به هر حال باید ایشان را از خردسالی با پاره ای از این مفاهیم آشنا ساخت در اینجا روشی که باید اتخاذ شود، روشی منفی است و نه مثبت. نباید کودکان را بصورت طوطی وار به حفظ ادعیه و احکام مجبور ساخت. زیرا در اینصورت تصویری نادرست از تقوی در ذهن کودک نقش خواهد بست.^۶</p> <p>کلیسای مرئی در نظر او فقط تقریبیست به کمال مطلوب و کلیسای عام غیر مرئی، اتحاد روحانی تمام مردم در فضیلت و خدمت اخلاقی</p> <p>خداست^۷ (منظور دین بیرونی مثلا دین حضرت مسیح (ع) و دین درونی یعنی وجدان)</p>	<p>هدف، رسیدن به عقل مستفاد و اتصال به عقل فعال و تربیت و تکمیل عقل مستفاد تا این که عقل قدسی شود و خلیفه اله فی الارض شدن^۱</p> <p>در مورد هدف هنری اشعار پند آموز و موسیقی مورد تاکید^۲ (البته موسیقی ای که منجر به رشد اخلاقی و شناختی شود نه هر موسیقی دیگر، آن هم بیشتر زیر ۶ سال و تا حدودی از ۶ تا ۱۴ سال)</p> <p>نام نیکو (نامی که از نظر دینی و اجتماعی پسندیده باشد) بر فرزند نهادن^۳ و شروع تحصیل در سن ۶ سالگی</p> <p>هدف، آموزش دین اسلام ناب محمدی (ص) - (۶ تا ۱۴ سالگی)</p> <p>اجزای مطالعه در این مرحله، قران و حفظ آن، یادگیری خواندن و نوشتن، کسب یادگیری چارچوب مذهب و مطالعه بعضی از متون شعر عربی به علاوه اینکه از نیاز به بازی و ورزش آگاه باشد. تمرکز و توجه ابن سینا در حفظ قران است و به این یادگیری اولویت مطلق می دهد. ایشان نیز همانند کانت به اجبار و اجبار در آموزش (نه تنها دینی بلکه در سایر موارد نیز) موافق نیست</p>	اهداف تربیت

۱- عزتی، ۱۳۶۶، ص ۴۵ تا ۴۷، ابن سینا، ۱۳۶۳ الف

۲- riaz, 1384، ابن سینا، ۱۳۴۷

۳- وکیلان، ۱۳۸۱

۴- kant.1991

۵- وانت، ۱۳۷۹، ص ۱۳۰ - ذاکر زاده، ۱۳۸۸

۶- kant.1991

۷- کاپلستون، ۱۳۸۸



پاورقی

۱. دیوان منسوب به حضرت علی (ع).

۲. علی (ع) فرمود: افضل المعرفة الانسان لنفسه (برترین شناسائی، معرفت انسان بر نفس خود است)، من عرف نفسه فقد عرف ربه (کسیکه خودش را بشناسد، خدایش را شناخته است) اعظم الجهل جهل الانسان امر نفسه (بزرگترین جهالت، جهالت انسان بر خویشتن است)، افضل الفضل معرفة المرء نفسه (برترین فضیلت شناسائی مرد است خویشتن را)، من عرف نفسه عقل و من جهلها ضل (کسیکه خودش را شناخت، عاقل شد، و کسیکه نسبت به آن - شناخت نفس - جهالت ورزید، گمراه شد)، من عرف نفسه فقد انتهى الى غايه كل معرفة و علم (کسیکه خود را بشناسد، برآستی، به آخرین مرتبه معرفت و علم رسیده است) مراجعه شود به غررالحکم ص ۱۷۹ - ۱۹۹ - ۶۹۸ - ۷۰۶. (عزتی، ۱۳۶۶)

۳- عقل فعال و القاء وحی

برترین و والاترین سطح از ارتباط عقل فعال با نوع انسان در پدیده وحی و نبوت متجلی می شود. این سینا در آثار خویش نبوت را با تکیه بر «قوه قدسی» توضیح می دهد و می گوید انسان پس از نیل به مرحله عقل مستفاد، به عقل فعال متصل می گردد و از عقل قدسی برخوردار می شود. او، اخذ وحی را به عقل قدسی نسبت می دهد و آن را به عنوان عالی ترین درجه ای که برای عقل بشری قابل دستیابی است، توصیف می کند (ابن سینا، ۱۳۶۳ الف).

۴- سوره جمعه آیه ۲

۵- از دیدگاه ابن سینا، ورزش حرکتی است تابع اراده. اگر ورزش به شیوه صحیح و متناسب با اعتدال مزاج و در وقت و هنگام مناسب صورت گیرد، می تواند صحت و سلامتی بدنی را به همراه آورد. البته این بهره برداری از ورزش هنگامی میسر است که دستورات دیگر بهداشتی مراعات شود. در این صورت، ورزش موجب می شود که عوامل بیماری زا از بدن دفع شود و بدن ما از استعمال دارو بی نیاز گردد. در ضمن، ورزش موجب دفع مواد زاید از بدن می شود و نمی گذارد که آن ها در بدن جمع شوند و در این صورت، اندام ها بر اثر ورزش برای پذیرش غذا آمادگی بیشتری پیدا می کنند. بر اثر ورزش، مفاصل بدن سخت و نیرومند می شود. (زیبا کلام و حیدری، ۱۳۸۷)

۶- او علم طب را به دو دسته علم بهداشت و علم درمان طبقه بندی کرده است:

۷- دستور حفظ سلامتی: یعنی آن که چگونه سلامتی بدن را نگه داریم و نگذاریم خللی در آن ایجاد شود (علم بهداشت).

۸- دستور چاره سازی: یعنی اینکه چگونه ناسالم را بهبودی بخشیم (علم طب). از دیدگاه او، هدف اساسی رعایت بهداشت آن است که بیشترین کوشش را تا حد امکان در نگهداری اعتدال عوامل در صحت و سلامتی بدن به عمل آوریم

او شیر مادر را برای نوزاد بهتر از هر شیر دیگری می داند، زیرا این غذا بیش از هر غذای دیگری به غذای دوره جنینی در رحم مادر شباهت دارد. به نظر او، در مواقعی که مادر توان شیردهی را ندارد، باید برای تغذیه نوزاد، دایه ای را برگزید. سن دایه بین بیست و پنج تا سی و پنج سال بسیار مناسب است. دایه باید خوش اخلاق و خوش خو باشد و در برابر خشم، اندوه، ترس و حالات مشابه آن زود واکنش نشان ندهد، زیرا تاثیر پذیری از این حالات مزاج را تباه می کند (تاثیر حالات روحی بر جسم) و تباهی مزاج ممکن است به شیر خوار سرایت کند. از این روست که پیامبر (ص) فرمود: دیوانه را دایگی نشاید. در ضمن، ابن سینا به غذاهایی که برای زن شیرده و دایه مناسب است اشاره داشته است. از شیر گرفتن کودک باید به طور تدریجی



Athens

صورت گیرد و مواد غذایی مناسب جایگزین گردد. او به دو نکته جهت اعتدال مزاج و پرورش صحیح و سالم نوزاد اشاره می کند: یکی جنبانیدن نوزاد به آهستگی و ملایمت و دیگری موسیقی و آوازی است که به طور عادت برای خوابانیدن نوزاد می خوانند. نوزاد به هر نسبتی که برای جنبانیدن و گوش دادن به موسیقی آمادگی بیشتری پیدا کند، تن و روانش برای ورزش های بدنی و روانی، آمادگی بیشتری می یابد (همان)

۹- اخلاق نیکو در تمام مراحل زندگی به آدمی زیبایی و کرامت می بخشد. خداوند در قرآن در مقام مدح و ستایش پیامبر اکرم(ص) می فرماید: «وَأَنَّكَ لَعَلَىٰ خَلْقٍ عَظِيمٍ» یعنی به درستی ای پیامبر که تو دارای اخلاق فوق العاده ای هستی. امام صادق (ع): خلق نیکو خطاهای انسان را ذوب می نماید آنگونه که حرارت خورشید یخ را ذوب می نماید.(مکاریان، ۱۳۸۷)

۱۰- منظور از شخصیت، ترکیبی از صفات ظاهر و باطن آدمی است که او را بصورت شاخص در می آورد(اعرافی، ۱۳۷۹)

۱۱- حضرت علی (ع) می فرماید: «همانا انسان به شدت نیازمند به تربیت و اصلاح خویش است همانگونه که کشتزار تشنه باران است.» (غرر الحکم، ج ۱، ص ۲۲۴ و نیز سرمدی، ۱۳۸۲)

۱۲- واژه عقل از «عقال» است و عقال به زانوبند شتر گفته می شود و از این جهت عقل نامیده شده است که بر سرکشی غریز و هوسها بند می نهد. تفکر و سنجش و تشخیص میان نیک و بد از اعمال عقل می باشند.(ساعی، ۱۳۸۳)

به تعبیر مولوی: تاره‌ی از فکر وسواس و حیل بی عقل این عقل در رقص الجمل(مثنوی مولوی، ۱۳۷۹)

۱۳- علت تأکید دین بر حفظ سلامت و تندرستی این است که امکان فعالیت در مسیر تکامل علمی و معنوی را فراهم می کند(پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۶)

۱۴- کانت در جای دیگر می گوید که کودک باید بلد باشد که «خود را خودمانی و آشنا نشان دهد بی آنکه رازها را آشکار کند، صریح باشد بی آنکه گستاخی کند. به این منظور نباید اسباب شرمندگی اش را فراهم کرد.» (کانت، ۱۳۷۲)

۱۵- کانت شرمساری را با این عبارت تعریف می کند: « شرمساری اضطرابی است که به شخصی دست می دهد وقتی ببیند کسی پیش رویش وی را تحقیر می کند؛ و در این حد یک هیجان است. وانگهی می توان احساس شرمساری را در غیاب آنکه سبب آن بوده است به خاطر آورد؛ در این حال هیجانی در کار نیست بلکه مثل حالت غم، شخص رنجور می شود؛ رنجی که محصول شکنجه ای دائمی و خیالی است که به علت همان تحقیر بر خود وامی داریم»(همان منبع)

۱۶- کانت در تغذیه کودک نیز به طبیعت و آنچه بطور طبیعی انجام می شود عنایت دارد. غیر از مواردی که مادر بیمار است و یا در شرایط نامساعد بسر می برد، بهترین غذا برای کودک شیر مادر است. کانت همچون روسو معتقد است که در طبیعت هیچ چیز بیهوده خلق نشده است مثلاً شیری که پس از زایمان از سینه مادر خارج می شود برای دفع مواد زاید دستگاه گوارش نوزاد ضروری است به همین جهت هرگز نباید آنرا دور ریخت.(ماهروزاده، ۱۳۷۹)

۱۷- منظور کانت از تمتع و لذت جویی، قسمت پست و ابتدایی میل به نام غریزه و یا تحریکات و یا فقط صرف میل است و نه قسمت عالی میل که آن را با عقل محض یکی دانسته و به صورت اراده تلقی کرده است. این اراده اساس آن نوع عمل است که صفت ممیزه آن، اختیار مستقل و آزاد است و همین را کانت عقل محض عملی نامیده است. (مجتهدی، ۱۳۸۸)



نتیجه گیری

اهداف آموزش و پرورش از نظر ابن سینا و کانت عبارتند از رشد کلی فرد یا تربیت تمامی ابعاد وجودی انسان را شامل می شود که در این میان هر دو تربیت عملی را در انتهای اهداف تربیت قرار داده اند چرا که انسان سالم از هر دو بعد (جسمی و روحی) می تواند کار و فعالیت عاقلانه را در جامعه بر عهده بگیرد و آن را به نحو صحیح و مطلوب انجام دهد و این هم بر اساس سیر زمانی انجام می گیرد چرا که والدین و معلمان باید صبر و استقامت داشته باشند تا نیروهای بالقوه جسمی و روحی کودک از طریق تربیت صحیح و دقیق شرعی، عقلی و علمی به فعل درآیند تا در اجتماع کاری را بر عهده بگیرند و به جمع نفع رسانند و منشأ رحمت و برکت باشند.

ابن سینا و کانت انسان را موضوع و محور تعلیم و تربیت می دانند و به لزوم تربیت انسان اذعان دارند.

هر دو در تعیین اهداف آموزش و پرورش به تأدیب به موقع و تربیت سالم و کامل اخلاقی افراد جامعه بسیار تأکید دارند که بلافاصله پس از شیر گرفتن (بهترین شیر برای کودک شیر مادر است) تربیت اخلاقی کودک آغاز شود، برای رسیدن به این هدف مقدس بایستی محیط خانواده و مدرسه بسیار سالم باشد چرا که موفقیت تربیت اخلاقی در گرو بصیرت عمیق و وسیع والدین و معلمان می باشد تا بتوانند به موقع جوانان شایسته و مفید (سرشار از علم نافع، ایمان خالص، اخلاق نیکو و کامل و عمل صالح) به جامعه تحویل دهند.

هر دو معتقدند زمان تعلیم و تربیت کودک باید از دوران تولد (حتی ابن سینا به قبل از تولد یعنی دوران جنینی اعتقاد دارد) شروع شود و سپس تربیت کودک بر پایه مراحل رشد وی استوار گردد زیرا هر مرحله از رشد و تربیت زیر بنای مرحله بعدی می باشد.

ابن سینا ایمان را در ابتدای اهداف تربیت قرار داده است اما کانت بطور صریح ایمان را در اهداف تربیت قرار نداده در حالیکه زمینه ذهنی کانت حاکی از یک تربیت زاهد منشأه است. که وی آرمانهای تربیتی را مبنی بر ایمان ترویج می کند.

از تفاوت‌های بین دیدگاه این دو اندیشمند در مورد اهداف تربیت باید گفت که ابن سینا تعلیم و تربیت را راهی برای رسیدن به سعادت (راه تحصیل سعادت به نظر ابن سینا، نیل به کمال در دو قوه علمی و عملی است و اگر کسی علاوه بر عدالت و حکمت نظری از خواص و ویژگی های پیامبری برخوردار باشد «سلطان عالم ارضی» و «خلیفه خدا در زمین» است) و در نهایت به خداوند و شناخت حقیقت می داند و در راستای این اعتقاد ارزش تجربه در علم را نیز مهم بیان می کند و تربیت را فعالیتی مقدس میداند که انسان به شدت به آن محتاج است. البته کانت نیز ارزش تجربه در علم را نیز مهم بیان می کند و تربیت را فعالیتی مقدس می داند که انسان به شدت به آن محتاج است. ولی از نظر وی سعادت از طریق غایت درونی انسان یعنی اطاعت از قانون اخلاقی میسر است عمل به فضیلت و ادای تکلیف و داشتن حسن نیت شایسته خوش و سعید بودن است که به این طریق انسان در مسیر تقرب به وجود واحد (خالق حکیم) قرار می گیرد و رضایت و خشنودی خدا را بدست می آورد.

**منابع**

- ابو علی سینا، حسین، ۱۳۴۷، تدبیر منزل، ترجمه: جعفر نقدی، تهران.
- ابو علی سینا، حسین، ۱۳۶۰، رسائل ابن سینا، ترجمه: ضیال‌الدین دری، تهران، انتشارات بهجت.
- ابو علی سینا، حسین، ۱۴۰۴ه.ق، التعليقات، ترجمه: عبدالرحمن بدوی، تهران، مکتب الاعلام اسلامی.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله، ۱۳۶۳ الف، المبدأ و المعاد، به اهتمام عبدالله نورانی، تهران، موسسه مطالعات اسلامی، دانشگاه مک گیل با همکاری دانشگاه تهران.
- اقبال، عباس، ۱۳۳۴، جشن نامه ابن سینا، تهران، انجمن آثار ملی.
- اعرافی، علیرضا، ۱۳۷۹، مجموعه مقالات (همایش تربیت در سیره و کلام امام علی (ع))، نشر تربیت اسلامی
- برکشلی، مهدی، ۱۳۳۴، جشن نامه ابن سینا (موسیقی ابن سینا)، تهران، انجمن آثار ملی.
- پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۶، درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی (۲)، اهداف تربیت از دیدگاه اسلام، چاپ نهم، تهران، انتشارات سمت.
- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۷، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، جلد اول، تهران، انتشارات سمت.
- دادبه، اصغر، ۱۳۸۹، کلیات فلسفه، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.
- ذاکرزاده، ابوالقاسم، ۱۳۸۸، ایده آلیسم آلمانی (از ولف تا پیروان جدید کانت)، آبادان، نشر پرسش
- ساعی، میر محمود، ۱۳۸۳، اخلاق و تربیت اسلامی، چاپ نوزدهم، تهران، انتشارات دانشگاه پیام نور.
- سرمدی، محمد رضا، ۱۳۸۲، مدیریت اسلامی، چاپ نهم (چاپ دوم آموزشی)، بهمن، تهران انتشارات دانشگاه پیام نور.
- صدیق، عیسی، ۱۳۳۴، جشن نامه ابن سینا (نظریات ابن سینا در باب تعلیم و تربیت)، تهران، انجمن آثار ملی.
- عزتی، ابولفضل، ۱۳۶۶، اصول آموزش و پرورش اسلامی، تهران، انتشارات بنیاد بعثت.
- فروغی، محمد علی، ۱۳۳۴، سیر حکمت در اروپا، جلد دوم، تهران، انتشارات زوار.
- کانت، ایمانوئل، ۱۳۷۲، تعلیم و تربیت، اندیشه هایی در باره آموزش و پرورش، ترجمه غلامحسین شکوهی، انتشارات دانشگاه تهران.
- کردان، علی محمد، ۱۳۹۰، سیر آراء تربیتی در غرب، چاپ پنجم با اصلاحات، تهران، انتشارات سمت.
- کاپلستون، فردریک، ۱۳۸۸، تاریخ فلسفه، از ولف تا کانت، جلد ششم، ترجمه: اسماعیل سعادت و منوچهر بزرگمهر، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، انتشارات سروش.
- مایر، فردریک، ۱۳۷۴، تاریخ فلسفه تربیتی، ج ۱ و ۲، ترجمه: علی اصغر فیاض، انتشارات سمت.
- ماهروزاده، طیبه، ۱۳۷۹، فلسفه تربیتی کانت، تهران، انتشارات سروش.



Athens

- مجتهدی، کریم، ۱۳۸۸، افکار کانت، تهران، ناشر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،

- مکاریان، ناصر، ۱۳۸۷، ره توشه نوجوان، شامل اصول عقاید، اخلاق و احکام، قم، انتشارات نجابت.

- وانت کریستوفر، ۱۳۷۹، کانت، ترجمه: حمیدرضا ابک، چاپ سوم، تهران، انتشارات شیرازه.

- وکیلان، منوچهر، ۱۳۸۱، تاریخ آموزش و پرورش در اسلام و ایران، قم، انتشارات دانشگاه پیام نور.

مقالات و نشریه ها

- مجله روانشناسی و علوم تربیتی، ۱۳۸۷، سال سی و هشتم، شماره ۳، ص ۸۹-۱۱۳، بررسی دیدگاه ابن سینا در باب تعلیم و تربیت،

فاطمه زیبا کلام مفرد و سمیرا حیدری.

- منابع انگلیسی:

kantTimmanuel.Education translated by annetchurton.theuniversity of Michigan press.1991.

Riazi, abdoImehdi (English fortен students of history and philospphy of education, 1384.

Surf and download all data from SID.ir: www.SID.ir

Translate via STRS.ir: www.STRS.ir

Follow our scientific posts via our Blog: www.sid.ir/blog

Use our educational service (Courses, Workshops, Videos and etc.) via Workshop: www.sid.ir/workshop